



قرن آینده - قرن آسیا:

فرصت‌ها و چالش‌ها برای جمهوری اسلامی ایران



لله الحمد لله الرحمن الرحيم

شماره مسلسل: ۱۸۹۶۷
کد موضوعی: ۲۶۰

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۳/۹



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:
قرن آینده - قرن آسیا:
فرصت‌ها و چالش‌ها برای جمهوری اسلامی ایران

نام دفتر:
مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین کنندگان:
مهرشاد غفاری زاده، مهدی امیری

اظهار نظر کننده:
میلاد ترابی فرد

ناظر علمی:
روح‌الله طالبی آرائی
ویراستار ادبی:
سیده مرضیه موسوی
گرافیک و صفحه‌آرایی:
نرجس امیراحمدی

- واژه‌های کلیدی:
۱. جمهوری اسلامی ایران
۲. قرن آسیا
۳. انتقال قدرت جهانی
۴. افول غرب
۵. چین و هند



فهرست مطالب

۶	چکیده
۷	خلاصه مدیریتی
۸	مقدمه
۹	تحول در نظام بین‌الملل: ظهور آسیا و افول غرب
۱۱	مفهوم قرن آسیا
۱۲	مؤلفه‌های قرن آسیا
۱۳	آسیایی شدن جمهوری اسلامی ایران در رویکرد نگاه به شرق
۱۴	جمهوری اسلامی ایران در قرن آسیا
۱۷	نتیجه‌گیری
۱۷	منابع و مآخذ



قرن آینده - قرن آسیا:

فرصت‌ها و چالش‌ها برای جمهوری اسلامی ایران

چکیده



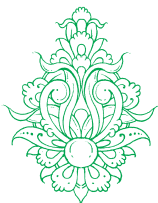
قرن آسیا به مشخصه اصلی قرن بیست و یکم تبدیل شده است. با خیزش تدریجی قدرت اقتصادی کشورهای شرق و جنوب شرقی آسیا، تمایل آنها برای ابراز استقلال راهبردی خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش یافته است. ترکیب قدرت اقتصادی و استقلال راهبردی در سطح سیاسی و نظامی باعث چرخش نقطه ثقل قدرت جهانی از غرب به شرق شده است. از این پدیده با عنوان «آسیایی شدن» قرن بیست و یکم یاد می‌شود. مخالفت اصولی جمهوری اسلامی ایران با نظم ناعادلانه غربی از چشم‌انداز آسیایی شدن، دریچه‌ای از فرصت‌های منحصر به فرد فراروی کشورمان ایجاد کرده است؛ ولی در عین حال، تهدیدهای جدیدی نیز ممکن است در قالب این روند شکل گیرد، زیرا به زعم برخی صاحب‌نظران، تغییر مرکز قدرت جهانی از غرب به شرق به معنای تغییر ماهیت قدرت نیست؛ بلکه زمین بازی و بازیگران آن است که در حال تغییر و جابه‌جایی است. بدین منظور گزارش حاضر با مدنظر قرار دادن تغییر پویای قدرت از غرب به شرق، مفهوم قرن آسیا و مؤلفه‌های آن و همچنین «سیاست نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران، فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی «قرن آسیا» را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این گزارش، ملاحظات مربوط به نحوه مواجهه نظام‌مند با پدیده «آسیایی شدن» مدنظر قرار گرفته است.



- با پایان دنیای تک‌قطبی، نظام بین‌المللی در قرن بیست و یکم دستخوش تحولات عمده‌ای شده است. یکی از این تحولات جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق است.
- مشخصه‌های اصلی نظم جدید، افول غرب به رهبری آمریکا، ظهور آسیا و قدرت‌یابی قدرت‌های منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران در یک جهان چندقطبی هم‌راستا با قدرت‌های شرقی روسیه، هند و چین است.
- ظهور دو قدرت آسیایی چین و هند در سیاست جهانی باعث شده است قرن حاضر به عنوان «قرن آسیا» نام‌گذاری شود. این مفهوم روایتی تاریخی و هنجاری از تحول در مراکز قدرت جهانی را تداعی می‌کند. قرن آسیا نشان‌دهنده تغییر سیاسی/اقتصادی برگشت‌ناپذیر قدرت جهانی از غرب به شرق است. قرن آسیایی و آسیایی شدن یک فرایند است که در آن مناطق متنوع آسیا به‌طور پیوسته حول برنامه‌های مشترک اقتصادی و تمدنی با یکدیگر همگرا می‌شوند.
- اگرچه تغییر قدرت از غرب به شرق فراتر از چین است، با این حال، چین نقش اصلی را در این فرایند انتقال قدرت بازی می‌کند. تمرکز بر چین از این منظر مهم است که نظام سیاسی و ارزش‌های این کشور در تضاد شدید با نظام‌های لیبرال دموکراسی غربی قرار دارد.
- مهم‌ترین راهبرد حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران رویکرد نگاه به شرق است که با «قرن آسیا» و «آسیایی شدن ایران» پیوند و هم‌زمانی دارد. نگاه به شرق به معنای هم‌افزایی راهبردی میان ایران، روسیه و چین به‌عنوان قدرت‌های نوظهور در برابر تهدیدهای مشترک غرب و ارزش‌های لیبرال دموکراسی است.
- باز توزیع قدرت در سطح نظام بین‌الملل می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند.
- ظهور و گسترش زنجیره‌های ارزش جهانی آسیا در مقابل اروپا و آمریکا، جانمایی الگوی ایرانی-اسلامی در کنار الگوهای چینی و هندی در زمینه نظم جهانی، نقش آفرینی ارزش‌های مشترک در برقراری ارتباط با کشورهای کوچک‌تر و متوسط آسیایی همانند اندونزی، مالزی و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران از جمله فرصت‌های قرن آسیا برای جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آیند.
- از سوی دیگر، فقدان رهبری منطقه‌ای در آسیا، ظهور قدرت‌های جهانی جدیدی که با نظام سلطه موجود کنار می‌آیند و چه‌بسا ممکن است جلوه‌هایی از آن را بازتولید کنند مهم‌ترین چالش‌های قرن آسیا برای جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.



مقدمه



جهان غرب در قرن بیستم در تلاش برای تحمیل سلطه خود در همه عرصه‌های اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک و سیاسی بوده است. با این حال، قرن بیست و یکم، قرن آسیا خواهد بود که مهم‌ترین ویژگی آن همانا خیزش کشورهای آسیایی مانند چین و هند به جرگه قدرت‌های بزرگ است. با ورود به قرن بیست و یکم، توازن قدرت اقتصادی و سیاسی به نفع آسیا تغییر کرده به طوری که مرکز ثقل قدرت اقتصادی و سیاسی از اروپا-آتلانتیک به سمت آسیا-پاسیفیک تغییر یافته است.

درواقع، می‌توان گفت که از دهه ۱۹۸۰ یک تغییر راهبردی به سمت شرق در فعالیت‌های اقتصادی شروع شده و با ادامه این وضعیت تا سال ۲۰۵۰، مرکز ثقل اقتصاد جهانی همچنان به سمت آسیا خواهد بود و بین هند و چین قرار خواهد گرفت. تا سال ۲۰۵۰ سه اقتصاد از چهار اقتصاد بزرگ جهان (چین، هند و ژاپن، در کنار آمریکا) آسیایی خواهند بود. بنابراین، ما با نوعی بازتوزیع قدرت از غرب به شرق روبه‌رو هستیم. البته، به این معنا نیست که غرب به‌عنوان یک نیروی اثرگذار جهانی رخت بر بندد بلکه برتری قدرت اقتصادی، سیاسی و نهادی امروز خود را از دست خواهد داد. علاوه بر این، رفته‌رفته آسیا نه تنها به بزرگ‌ترین تولیدکننده کالا و خدمات تبدیل خواهد شد، بلکه بزرگ‌ترین مصرف‌کننده جهان نیز خواهد بود.

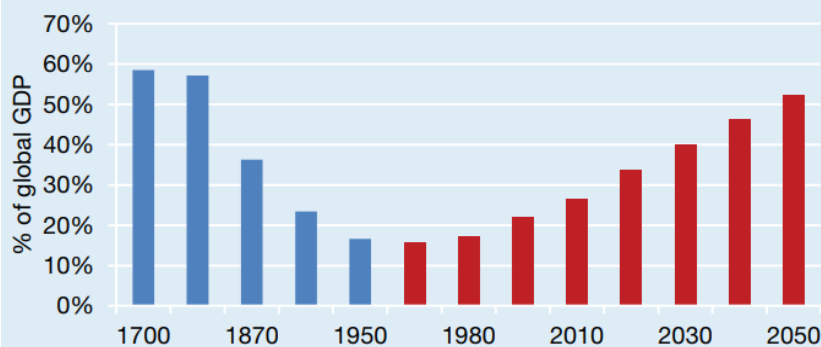
اگرچه به نظر می‌رسد روندی که در آن تغییر قدرت به سمت شرق جابه‌جا می‌شود، فراتر از چین است، با این حال، پکن نقش اصلی را در این فرایند انتقال قدرت بازی می‌کند. این بازتوزیع قدرت می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کند. در این چارچوب، گزارش حاضر با مدنظر قرار دادن چرخش قدرت از غرب به شرق، مفهوم قرن آسیا و مؤلفه‌های آن و نیز فرصت‌ها و تهدیدهای پیش روی «قرن آسیا» را در پرتوی «سیاست نگاه به شرق» جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار می‌دهد.

تحول در نظام بین‌الملل: ظهور آسیا و افول غرب

«عصر آمریکا» به پایان خود نزدیک می‌شود و جهان جدیدی در حال ظهور است. با برآمدن قرن آسیا از آغاز سده بیست و یکم، حالا دیگر کشورهای آسیایی بازیگرانی وابسته، ضعیف و دست‌نشانده در عرصه بین‌المللی نیستند که از قدرت‌های غربی پیروی کنند، بلکه رفته‌رفته به کنشگرانی تبدیل شده‌اند که در بسیاری موارد از استقلال عمل در برابر دولت‌های سلطه‌گر غربی برخوردارند. به عبارت دیگر، این روند یکی از نمودهای مهم پویای جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق بوده است. در واقع، یک نظم نوینی در گستره جهانی در حال شکل‌گیری است که مشخصه‌های اصلی آن افول غرب به رهبری آمریکا، خیزش آسیا و قدرت‌یابی قدرت‌های منطقه‌ای مانند جمهوری اسلامی ایران در بستر یک جهان چندقطبی با نقش‌آفرینی قدرت‌های شرقی از قبیل روسیه، هند و چین است. در بعد اقتصادی، در سال ۲۰۰۰، آسیا کمتر از یک‌سوم تولید ناخالص داخلی جهانی (از نظر برابری قدرت خرید) را به خود اختصاص داد و در حال حاضر، در مسیر رسیدن به بالای ۵۰ درصد تا سال ۲۰۴۰ قرار دارد [۱]. اگر روند کنونی ادامه یابد، تا سال ۲۰۵۰، آسیا مرکز اقتصاد جهانی خواهد بود و بیش از ۵۰ درصد از تولید اقتصادی جهانی را عمدتاً با نقش‌آفرینی چین و هند، تأمین خواهد کرد.

نمودار ۱. سهم آسیا از تولید ناخالص جهانی، ۱۷۰۰-۲۰۵۰

Asia's share of global GDP, 1700-2050



Source: Maddison (1700-1950) (2007); Centennial Group International estimates (1951-2050) (2011). Data for 1750-1790 are PPP and data for 1991-2050 are in market prices.



خیزش چین و هند به منزلت قدرت بزرگ در هر دو عرصه اقتصادی و نظامی نخستین و مهم‌ترین جلوه تغییر در توزیع قدرت جهانی است. چین و هند در بیست سال گذشته سهم خود را در اقتصاد جهانی به میزان سه برابر افزایش داده‌اند به طوری که نه تنها بزرگ‌ترین تولیدکننده کالا و خدمات در جهان خواهند بود، بلکه به بزرگ‌ترین مصرف‌کننده‌های جهان نیز تبدیل خواهند شد [۲]. خیزش اژدهای چین بی‌تردید یکی از شگفتی‌های بزرگ سده بیست و یکم است. رشد اقتصادی خارق‌العاده و دیپلماسی فعال چین در حال حاضر آسیا را متحول کرده است و دهه‌های آینده نیز افزایش هر چه بیشتر قدرت و نفوذ چین را به خود خواهد دید.

نمودار ۲. مقایسه تولید ناخالص داخلی چین و آمریکا (۲۰۰۰-۲۰۳۰)



قدرت‌های نوظهور آسیایی به ویژه چین بیش از پیش در تلاش هستند نظم کنونی را به گونه‌ای پیش ببرند که بازتاب‌دهنده منافع، ارزش‌ها و هنجارهای ملی و آسیایی‌شان باشد. هر چند پکن هم‌اکنون نقش «ذی‌نفع مسئول» را در نظم بین‌المللی موجود که آمریکا بر حسب مطامع استکباری خود بر سایر کشورهای جهان تحمیل کرده است بازی می‌کند، ولی برنامه‌های بلندپروازانه‌ای مانند در انداختن ابتکار کمربند-راه و مشارکت در بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی، از خیز برداشتن آن برای در افکندن نظامی جدید با محوریت مقابله با سلطه لیبرال دموکراسی غربی حکایت دارد. بدین سان، برخلاف ژاپن، هند، کره جنوبی یا هر کشور دیگر آسیایی، چین تنها قدرتی است که خود را خارج از هر

ساختار اتحادی غرب محور قرار می‌دهد.

دومین جلوه تغییر در توزیع قدرت جهانی همانا افول پیوسته و فزاینده قدرت آمریکا در عرصه جهانی است. تا اواخر دهه ۱۹۶۰، آمریکا قدرت اول تولید در جهان بود؛ اما امروزه، به یک اقتصاد رانتی تبدیل شده است. در حال حاضر، ۵۸ درصد از کل درآمد در آمریکا از طریق سود سهام و پرداخت بهره حاصل می‌شود. این در حالی است که چین پیشروترین کشور تولیدی جهان است. از سوی دیگر، هند نیز در حال حاضر سومین اقتصاد بزرگ جهان به‌شمار می‌آید به طوری که تولید ناخالص داخلی آن دو برابر آلمان یا ژاپن است. ورود قریب‌الوقوع جهان به عصر آسیا فقط و فقط ناشی از خیزش و اقتصاد تولیدی بزرگ آن نخواهد بود، بلکه رشد کشورهای کوچک‌تر و متوسط همانند اندونزی، مالزی، کره جنوبی و ویتنام نیز سهم چشمگیری در این زمینه دارند.

سومین جلوه تغییر در توزیع قدرت جهانی به چالش کشیده شدن برتری نظامی آمریکا است. با ثروتمند شدن قدرت‌های آسیایی مانند چین، هزینه‌کردهای نظامیان آنها نیز افزایش یافته است. این روند با شتاب فزاینده‌ای تداوم دارد. هزینه‌های دفاعی چین تا سال ۲۰۲۵ برابر با هزینه‌های دفاعی آمریکا خواهد بود. از آنجایی که پیوند انکارناپذیری بین جایگاه نظامی و اقتصادی یک قدرت بزرگ و اعتبار قدرت نرم و ظرفیت برای برنامهریزی آن وجود دارد، در عمل ظرفیت آمریکا برای شکل دادن به نظم بین‌المللی از طریق نفوذ و الگوسازی رو به کاهش است. در واقع، آمریکا رفته‌رفته نه قادر و نه مایل به رهبری خواهد بود، چراکه برخلاف گذشته، منابع لازم برای تداوم نقش رهبری در اقتصاد و سیاست بین‌الملل را در اختیار نخواهد داشت و به دلیل شکاف‌های فزاینده داخلی، از آمادگی و پشتوانه افکار عمومی برای ایفای نقش پلیس جهان برخوردار نخواهد بود. این در حالی است که قدرت‌های آسیایی به مانند چین در حال کمک به کشورهای در حال توسعه آسیایی و آفریقایی و تقویت جایگاه قدرت نرم خود هستند.

مفهوم قرن آسیا

«خیزش آسیا» یا «قرن آسیا» در یک دهه اخیر به‌عنوان موضوعی مهم در گفتمان استراتژیک جهانی مطرح شده است. این مفهوم یکی از جدیدترین و در عین حال قدرتمندترین جلوه‌های توجه به آسیاست. در سال‌های اولیه قرن بیست‌ویکم، گزارش‌ها درباره ضعف فزاینده آمریکا و افول احتمالی آن باعث تقویت مفهوم قرن آسیا شد. ریشه‌های این مفهوم در دهه ۱۹۸۰ و بازگو کردن موفقیت اقتصادی ژاپن نهفته است و از آن زمان تاکنون در مورد اقتصادهای اژدهای کوچک در دهه ۱۹۹۰ و همچنین اقتصادهای بزرگ چین و هند در آغاز دهه ۲۰۰۰ به کار رفته است [۳] [۱].

بنابراین، قرن آسیا اصطلاحی ابهام‌آلود است که معمولاً تعریف مشخصی ندارد؛ یکی از دلایل این ابهام



در نام‌گذاری‌های مشابه از قبیل قرن اقیانوس آرام، قرن آسیا-اقیانوسیه و قرن چینی و نیز، اصطلاحاتی مانند معجزه آسیای شرقی، خیزش آسیا، خیزش چین نهفته است؛ باین حال همه این تعاریف از برآمدن آسیایی‌ها در یک دهه اخیر حکایت دارند. «قرن آسیا» از اصطلاحات فوق خاص تر است زیرا روایتی تاریخی و هنجاری از مراکز در حال تغییر قدرت جهانی را تداعی می‌کند. کارشناسان روابط بین‌الملل اغلب از قرن نوزدهم به عنوان قرن اروپا یاد می‌کنند، زیرا در این دوران، قدرت‌های بزرگ اروپا، به‌ویژه بریتانیا، از نظر سیاسی، نظامی، اقتصادی و فناوری بر جهان تسلط داشتند. به همین ترتیب، خیزش آمریکا به قدرت و ابرقدرت، قرن بیستم را به دلیل تأثیری که ایالات متحده بر امور جهانی داشت، به «قرن آمریکا» مشهور ساخت.

بر همین اساس، با آغاز قرن بیست و یکم، کشورهای پیشرو آسیایی به‌ویژه چین و هند رفته‌رفته نقش‌های بزرگ‌تری در شکل‌دهی و مدیریت نظم جهانی ایفا می‌کنند. این نقش نتیجه توان‌افزایی چشمگیر این کشورها در دو دهه اخیر بوده است. با این اوصاف، «قرن آسیا» به نقش اقتصادی و سیاسی غالبی اطلاق می‌شود که انتظار می‌رود چین، هند و همسایگان آنها در قرن بیست و یکم ایفا کنند.

مؤلفه‌های قرن آسیا



برداشت‌های مسلط درباره «قرن آسیا» غالباً جنبه‌های اقتصادی این پدیده را برجسته می‌سازند. این در حالی است که به نظر می‌رسد روندهای مرتبط نه تنها ناظر بر تحول اقتصادی در این قاره است بلکه ابعاد ساختاری و هنجاری را نیز دربرمی‌گیرد. قرن آسیا در واقع نتیجه آسیایی شدن است. آسیایی شدن فرایندی است که به موجب آن، مناطق متنوع آسیا به‌طور پیوسته و فزاینده حول برنامه‌های مشترک اقتصادی و تمدنی بی‌همتای خود با یکدیگر همگرا می‌شوند. آسیای امروزی، با وجود تنوع جغرافیایی و سیاسی، یک ویژگی مشترک دارد که همانا توسعه سریع اقتصادی و تقارب تمدنی است.

در قرن جدید، آسیا در ابعاد مختلف اقتصادی از جمله تجارت، زنجیره ارزش، تولید و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت بلوک ابر منطقه‌ای به هم متصل شده است؛ از این نظر، آسیا آسیایی تر شده است. انتظار می‌رود سهم قاره آسیا از مصرف جهانی و طبقه متوسط جهان تا سال ۲۰۴۰ به ۳۹ و ۵۴ درصد برسد؛ این در حالی است که این نسبت در سال ۲۰۱۷ معادل ۲۸ و ۴۰ درصد بود [۴]. اما تأکید بر جنبه اقتصادی در برداشت‌های مسلط درباره قرن آسیا این واقعیت مهم تاریخی را نادیده می‌گیرد که چین و هند بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان در سال ۱۸۷۰ میلادی بودند اما هر دو کشور به استعمار قدرت‌های غربی در آمدند. بر این اساس، قرن آسیا صرفاً نشانگر صعود اقتصادی این قاره در عرصه جهانی نیست بلکه نوبدبخش برتری سیاسی و اجتماعی آن نیز است.

بدین سان، درست همان گونه که مرکز ثقل اقتصادی و ژئوپلیتیکی نظم بین‌المللی از جهان اروپا-آتلانتیک به آسیا پاسیفیک تغییر کرده است، تغییر قدرت بین‌تمدنی نیز رخ نمایانده است. در واقع، نظم جدید آسیایی که در حال شکل‌گیری است، نظمی چندتمدنی است که از جمهوری اسلامی ایران تار و سیاه و چین را در بر می‌گیرد. در این چارچوب، هر چند چین در صدد بازآفرینی جاده ابریشم قدیم در سراسر آسیاست، اما به تنهایی آن را راهبری نخواهد کرد. آسیا رفته‌رفته به نوعی نظم چندقطبی با ثبات که در دوران پیشاستعماری تجربه کرده است بازمی‌گردد. هر چه آسیایی‌ها بیشتر احساس کنند که به یک حوزه تمدن مشترک تعلق دارند، صلح و رفاه جهانی نیز ماندگارتر خواهد بود.

|| « آسیایی شدن جمهوری اسلامی ایران در رویکرد نگاه به شرق

رویکرد «نگاه به شرق» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برهه‌های مختلف، با شدت و ضعف‌هایی مورد توجه بوده است. باین حال، به نظر می‌رسد این راهبرد در برهه کنونی، بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است. رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در این باره تأکید دارند:

«در سیاست خارجی، ترجیح شرق بر غرب، ترجیح همسایه بر دور، ترجیح ملت‌ها و کشورهای که با ما وجه مشترکی دارند بر دیگران، یکی از اولویت‌های امروز ماست»^۱.

راهبرد نگاه به شرق مبنای جغرافیایی و هویتی دارد: به لحاظ جغرافیایی، نگاه به شرق رویکردی راهبردی به مناطق شرقی کشور و تلاش برای تعمیق مناسبات همگراییانه با بازیگران نوظهور این مناطق است به گونه‌ای که در راستای تأمین منافع ملی توجه به مجرای همکاری و ائتلاف با آنان - چه از طریق تعامل و همکاری دوجانبه (قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین) و چه از طریق همکاری‌های جمعی در چارچوب نهادهای همگرایی منطقه‌ای مانند سازمان همکاری شانگهای - مورد توجه است [۵]. مناطقی که مدنظر راهبرد نگاه به شرق هستند شامل شرق آسیا، جنوب آسیا و جنوب شرقی آسیا به علاوه روسیه است. دولت‌های این مناطق، در کنار هم مجموعه تمدنی شرقی را تشکیل داده‌اند که در سال‌های اخیر بار دیگر خود را مطرح ساخته است. اما به لحاظ هویتی، نگاه به شرق به معنی هم‌افزایی راهبردی میان ایران، روسیه و چین به عنوان قدرت‌های نوظهور در برابر تهدیدهای مشترک غرب و ارزش‌های لیبرال دموکراسی است. این رویکرد به معنای وابستگی به شرق نیست، بلکه مبتنی بر تلاش برای برقراری ارتباط هم‌زمان با شرق و غرب، با اولویت قائل شدن برای شرق به دلایل ژئوپلیتیکی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی خاص کشورمان است. دغدغه اصلی رویکرد این است که چگونه می‌توان

۱. شش دلیل برای ترجیح شرق بر غرب، ۱۳۹۶/۱۱/۳۰. <https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=38981>



نوعی هم‌افزایی استراتژیک و تاکتیکی میان ایران، روسیه، چین و کشورهای حوزه شرق در راستای دستیابی به منافع ملی ایجاد کرد. در واقع نگاه به شرق را باید ذیل مفهوم سیاست خارجی متوازن تعریف کرد به گونه‌ای که ظرفیت‌های دیپلماتیک و استراتژیک احصا و به سمت منافع ملی هدایت شود [۵]. نوعی هم‌پیوندی و هم‌زمانی میان رویکرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران از یک سو و قرن آسیا در باز توزیع قدرت جهانی از سوی دیگر، وجود دارد.

با توجه به دوران در حال گذار نظام بین‌الملل، به دلیل برخورداری جمهوری اسلامی ایران از جایگاه راهبردی و منطقه‌ای، بی‌تردید چین، روسیه و حتی هند به روابط با کشورمان نیاز دارند تا بتوانند بر محدودیت‌های مشروعیت‌یابی هنجاری فراروی خود در عرصه بین‌المللی غلبه کنند و روایت لازم را برای ایجاد یک نظم جدید در عرصه جهانی ایجاد کنند. در این راستا، عضویت جمهوری اسلامی ایران به عنوان لنگرگاه ثبات و امنیت غرب آسیا در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به کارآمدی و فعالیت این سازمان در حوزه‌های امنیتی و اقتصادی معنا و مفهوم تازه‌ای بخشد. از سوی دیگر، موفقیت رویکرد نگاه به شرق و تحقق آن در سیاست خارجی کشور بیش از هر چیزی بر روابط با کشورهای آسیایی و به‌ویژه کشورهای چین و هند تکیه دارد به گونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش در روند آسیایی شدن قرار می‌دهد. با این اوصاف، می‌توان گفت که رویکرد نگاه به شرق و قرن آسیا دوروی سکه جایگاه ملی و روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به‌شمار می‌آیند.

جمهوری اسلامی ایران در قرن آسیا



جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقل تلاش دارد تا بر مبنای سه اصل عزت، حکمت و مصلحت، منافع ملی خود را در سطح منطقه‌ای و جهانی پیش برد. از آنجا که ماهیت نظام بین‌الملل متحول شده و وضعیت چندقطبی حکم فرما شده است، قرن آسیا می‌تواند فرصت‌ها و چالش‌های متعددی برای جمهوری اسلامی ایران پدید آورد.

ظهور و گسترش زنجیره‌های ارزش جهانی آسیا در برابر اروپا و آمریکا نخستین و مهم‌ترین فرصت فراروی جمهوری اسلامی ایران است که باید غنیمت شمرد. در مفهوم اولیه، زنجیره ارزش به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که زنجیروار به همدیگر متصل‌اند و به خلق محصولی منجر می‌شود که برای مصرف‌کننده با ارزش بوده و برای تولیدکننده سودآوری ایجاد می‌کند. با خیزش آسیا، یک شبکه زنجیره ارزش ابرمنطقه‌ای شکل گرفته است که نه تنها کالاهای نهایی را پوشش می‌دهد، بلکه

1. Supply Chain Network.

سایر حوزه‌های زنجیره ارزش مانند مواد خام و کالاهای واسطه‌ای را نیز در خود جای می‌دهد. در سال ۲۰۲۲ بیش از نیمی از کل تجارت دنیا در قالب زنجیره‌های ارزش انجام گرفته است. حدود ۶۰ درصد از کل تجارت کالاهای کشورهای آسیایی در داخل قاره آسیا انجام می‌شود که بر حسب زنجیره‌های ارزش، می‌توان گفت آسیا در حال آسیایی‌تر شدن است. علاوه بر این، سرمایه‌گذاری درون‌قاره‌ای و جریان‌های سرمایه‌گذاری نیز رو به افزایش است به طوری که بیش از ۷۰ درصد از بودجه استارت‌آپ‌های آسیایی و ۵۹ درصد از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از داخل قاره آسیا تأمین می‌شود [۶]. با توجه به حذف دوری ایران از زنجیره تأمین اروپا و آمریکا، آسیا بهترین فرصت فراروی کشورمان است تا بتواند هم تحریم‌های ظالمانه غرب را تعدیل و هم به‌عنوان یکی از قدرت‌های غرب آسیا با سایر مناطق ارتباط مؤثرتری برقرار کند.

دومین فرصت فراروی جمهوری اسلامی ایران ظهور یک نظم چندتمدنی بین کشورهای آسیایی در تقابل با تلاش برای سیطره تمدن غرب بر کل جهان و از جمله آسیاست. در این میان، نقش آفرینی نظم تمدنی ایرانی-اسلامی به‌عنوان مکمل و هم‌افزا با سایر نظم‌های تمدنی شرقی در فضای بین‌تمدنی دنیای کنونی ضرورتی انکارناپذیر به‌نظر می‌رسد زیرا فرصتی است که جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از آن می‌تواند الگوی مطلوب خود را در کنار الگوهای چینی و هندی قرار دهد و آن را به ملت‌های دیگر از جمله شرق آسیا بازشناساند.

سومین فرصتی که قرن آسیا برای کشورمان به ارمغان می‌آورد بهره‌برداری از مناسبات با کشورهای آسیایی کوچک‌تر و متوسط همانند اندونزی، مالزی، تایلند و ویتنام است. به بیان دقیق‌تر، آسیا صرفاً دو کشور بزرگ چین و هند یا حتی روسیه نیست بلکه کشورهای آسیایی دیگری نیز هستند که هر کدام به درجات متفاوتی، تجربیات موفق در زمینه پیشبرد توسعه اقتصادی داشته‌اند و نقش تأثیرگذاری در رشد جهانی و منطقه ایفا می‌کنند. با توجه به اینکه گسترش روابط با این کشورها به دلیل قربت‌های فرهنگی و تمدنی امکان‌پذیر است و می‌تواند به پیشرفت اقتصادی کشورمان کمک کنند، در رویکرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران نیز باید مورد توجه قرار گیرند.

چهارمین فرصت قرن آسیایی برای کشورمان، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران است. از آنجاکه ایران در چهارراه ژئوپلیتیکی جهان قرار گرفته و قدرت مهم در خلیج فارس و غرب آسیاست، می‌تواند نقطه اتصال مناطق جنوب آسیا، آسیای مرکزی و قفقاز با یکدیگر باشد و به مرکز ثقل مراودات انرژی و تأمین امنیت آن تبدیل شود.

در کنار این فرصت‌ها، باید به دو چالش قرن آسیا برای جمهوری اسلامی ایران نیز توجه داشت. نخستین چالش کلیدی قرن آسیا که باید در بعد سیاسی مورد توجه دستگاه سیاست خارجی جمهوری



اسلامی ایران قرار گیرد، فقدان رهبری ابرمنطقه‌ای در آسیاست. در میان کشورهای آسیایی، تنوع نظام‌های سیاسی، فقدان دیدگاه‌ها و سیاست‌های مشترک در روابط خارجی وجود دارد. در واقع، آسیا یک ابرمنطقه گسترده و ناهمگون از نظر جغرافیایی، اجتماعی و سیاسی است که برخی از بزرگ‌ترین، رقابتی‌ترین و پیچیده‌ترین اقتصادهای جهان مانند چین، هند، آسه‌آن و روسیه را در خود دارد. هنوز یک همگرایی سیاسی درون‌قاره‌ای شکل نگرفته است و یک آسیای یکپارچه پدید نیامده است. تا زمانی که یکپارچگی در آسیا شکل نگیرد، نظم بین‌المللی به رهبری آسیا که برای تحقق قرن آسیا حیاتی است استقرار نخواهد یافت.

دومین چالش، مربوط به دوران گذار نظام بین‌الملل، ظهور بازیگران جدید و به تبع آن، تغییر قدرت جهانی است. اگرچه ماهیت قدرت و روابط بین‌الملل در حال تحول اساسی است؛ با این حال، تغییر مرکز قدرت جهانی از غرب به شرق به معنای تغییر ماهیت قدرت نیست. **قدرت همان قدرت است و تغییر مرکز ثقل قدرت در جهان از غرب به سمت شرق الزاماً به نفع جمهوری اسلامی ایران نیست.** مقامات کشورمان باید به موانع ساختاری در برابر آسیایی شدن توجه کنند. برای مثال، هیچ اتحاد آسیایی برای رقابت با اتحاد‌های غربی مانند ناتو وجود ندارد و پیمان‌ها و ائتلاف‌ها اغلب کوتاه‌مدت و تاکتیکی هستند. همچنین یک نهاد رسمی آسیاگستر مؤثر مانند اتحادیه اروپا وجود ندارد. آسیا فضای ژئواستراتژیک چندقطبی خاص خود را دارد که در آن، قدرت‌های آسیایی تلاش می‌کنند روابط دوجانبه را مدیریت کنند، ولی در عین حال با یکدیگر رقابت سیاسی، نظامی و اقتصادی دارند.

سومین چالش قرن آسیا برای جمهوری اسلامی ایران سطح، کیفیت و گستره روابط کشورهای آسیایی با سایر دولت‌های پیرامونی کشورمان به ویژه بازیگران منطقه غرب آسیاست. کشورهای آسیایی با سایر بازیگران منطقه مانند عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی که از جمله رقبا و دشمنان منطقه‌ای ایران هستند، روابط سیاسی و اقتصادی نزدیکی دارند. اگر به میزان روابط تجاری چین، هند و روسیه با رژیم صهیونیستی، عربستان و دیگر کشورهای عرب منطقه نگاه کنیم، درمی‌یابیم که هیچ‌یک از کشورهای آسیایی نمی‌توانند این روابط را تابع مناسبات خود با ایران سازند. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران باید تلاش کند تا روابط خود را با این کشورهای آسیایی بر مبنای اصل توازن تنظیم کند.

نتیجه‌گیری



سرنوشت قرن آسیا به فراز و نشیب‌های اقتصادهای ملی در آسیا، به عملکرد اقتصادی کشورهای این قاره و جهان و به‌طور کلی، سیر تحولات بین‌المللی بستگی خواهد داشت. از آنجاکه آسیا به‌طور سنتی در معرض رقابت قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای بوده است، احتمالاً رقابت بر سر سلطه‌یابی سیاسی، قدرت نظامی و نفوذ اقتصادی را نیز تجربه خواهد کرد.

در این میان، هر چند به‌نظر می‌رسد نظم جهانی آینده در منطقه آسیا شکل خواهد گرفت، ولی باین حال، الگوهای پیچیده رقابت، درگیری، همکاری و از هم گسیختگی را نیز به خود خواهد دید. بر همین اساس، از نظر سیاسی و اجتماعی، آسیا به احتمال زیاد به مناطق تابعه مانند آسیای غربی، آسیای جنوبی، آسیای مرکزی تقسیم خواهد شد. در این چارچوب، ضروری است که رویکرد نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران به سوی آسیایی شدن هر چه بیشتر حرکت کند.

در این چارچوب، پیشنهاد می‌شود دستگاه وزارت امور خارجه به ظرفیت‌ها و تحولات نظام بین‌الملل در حال گذار توجه داشته باشد و منافع ملی را در چارچوب ایجاد تعامل و توازن با همه کشورهای آسیایی پیش ببرد، چراکه گرایش به یک طرف ممکن است به شکل‌گیری تهدیدهای جدی و از دست رفتن فرصت‌های بالقوه برای منافع ملی نسبت به سایر کشورهای آسیایی منجر شود.



1. el., O. T. (2019). The future of Asia: Asian flows and networks are defining the next phase of globalization. September 18.
 2. Frey, M. &. (2015). Asianisms: regionalist interactions and Asian integration. NUS Press.
 3. Kohli, H. S. (2011). Asia 2050: realizing the Asian century. SAGE Publications India.
 4. Reed, V. R. (2019). The Asian century is set to begin. MARCH 26.
 5. Seong, J. W. (2019). We've entered the Asian Century and there is no turning back. Oct 11.
۶. آدمی، ع. (۱۳۹۸). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها.



مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۲۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir